



مطالعات ایلات و عشایر

نشریه دانشگاه آزاد اسلامی

دوره ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴



پژوهشی در پوشاک ایل بختیاری

محمد افروغ^۱

^۱ کارشناس ارشد. گروه فرش. دانشگاه اراک nashmine_1982@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴	پوشاک به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های هویت قومی، بومی و منطقه ای، از عناصر فرهنگی در شناخت و معرفی اقوام مختلف ایرانی است و یکی از مهم ترین و بارزترین بُعد فرهنگی و هویتی هر تمدن، ملت و ایلی است که با آن شناخته می شوند چرا که در ساختار هویت یک جامعه نظیر جامعه ایلی و عشایری، مؤلفه های زیادی نظیر زبان (گویش) و ادبیات، قصه ها و اساطیر، موسیقی، تاریخ و جغرافیا، خوراک و پوشاک دخیل هستند. پوشاک محلی و قومی به عنوان تولیدهای فرهنگی، نقش تعیین کننده ای در حفظ، اشاعه و تعمیم مبانی ارزش های بومی، ملی و قومی داشته و می تواند مؤلفه و عامل پسندیده و مطلوبی در شناخت و معرفی فرهنگ و هویت اقوام ایرانی هم در داخل و هم در فراسوی مرزها باشد. پوشاک ایل بختیاری، یکی از برجسته ترین مؤلفه ها و معرف ها در شناخت این ایل بزرگ و اصیل ایرانی است. شناخت، معرفی، تطبیق و تحلیل پوشاک بختیاری، هدف این مقاله است. این تحقیق از نوع بنیادین و روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و تطبیقی است. نحوه گردآوری اطلاعات، توأمان میدانی و کتابخانه ای است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰	
واژگان کلیدی	
بختیاری پوشاک هویت	

استناد: افروغ، محمد (۱۴۰۴)، پژوهشی در پوشاک ایل بختیاری، نشریه مطالعات ایلات و عشایر، ۱۴(۱)، صص ۱۲-۲۵

©۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، مطالعات ایلات و عشایر، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.

مواریث فرهنگی از مهم‌ترین شاخص‌های هویتی یک ملت به‌شمار می‌رود و از مهم‌ترین بارزترین وجوه مواریث فرهنگی و هویتی هر تمدن و هر ملت، پوشاک و به‌نوعی تن‌پوش مردمان آن سرزمین است. در ساختار هویت یک جامعه مؤلفه‌های زیادی نظیر زبان، دین، تاریخ، اساطیر و غیره دخیل است. اما شاید مهم‌ترین مؤلفه مرتبط با بحث هویت و نوعاً اسناد هویت ملی، پوشاک یک ملت و به تبع آن تن‌پوش اقوام تشکیل دهنده‌ی آن ملت است. پوشاک، نمودی آشکار و بازتابی از باورهای مذهبی، اندیشه‌های ملی و سنتی، شیوه‌های زندگی، آداب اجتماعی است. در واقع پوشاک مهم‌ترین و مشخص‌ترین مظهر قومی و بارزترین نشانه‌ی فرهنگی است. چرا که جوهر هویت در ایران از نوع فرهنگی می‌باشد و پوشاک اقوام ایرانی ارتباط تنگاتنگی با هویت قومی و ملی دارد. «پوشاک بارزترین نمود عینی شناخت اقوام گوناگون ایرانی از یکدیگر است. پوشاک از راه مجموعه‌ای از علائم مادی، یک نظام ارتباط فرهنگی در میان مردم برقرار می‌کند که دریافت معانی و مفاهیم آن در هر گروه و جامعه مستلزم درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم و باورهایی است که پوشاک ارزش‌های نمادین خود را از آن‌ها اخذ نموده است. ارزش‌هایی که در حفظ هویت اجتماعی و فرهنگی مردم در طول زمان نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا می‌کنند» (بلوک‌باشی، ۱۳۸۲، ۱۷). پوشاک «نشان‌دهنده وابستگی و [شناسنامه‌ی تمدنی و هویتی] اقوام ایرانی است» (موسوی‌حاجی، ۱۳۹۳، ۱۸۰) و نشانه خاصی برای معرفی آنان است. ایل بختیاری، یکی از اقوام قدیمی و صاحب پیشینه‌ای دیرینه در فلات و

جغرافیای ایران بوده که در مرکز ایران، غرب و جنوب‌غربی زاگرس استقرار دارد. مطالعه، بررسی و تحلیل پوشاک اقوام مختلف ایران به‌عنوان بخشی از هویت قومی و در سطحی بالاتر هویت ملی، دارای اهمیت و ضرورت است. چرا که پژوهش و کنکاش در ابعاد و زوایایی مختلف فرهنگی، به شناخت جامع‌تر و بیش‌تر جوامع از اقوام ایرانی کمک شایانی می‌کند. در پژوهش حاضر، پوشاک و اجزاء مختلف بختیاری بررسی، تحلیل و تطبیق داده می‌شود.

هویت قومی و ابعاد آن

هویت قومی به عنوان بخشی از هویت ملی، مجموعه ویژگی‌ها، آداب، آئین و رسوم و سبک زندگی، ارزش‌ها، باورها، برداشت‌ها و احساسات‌شان، هنجارها، نمادها اعضای یک گروه است که در یک هم‌بستگی اجتماعی به نام قوم یا ایل شکل می‌گیرد. «هویت قومی صفتی برای گروه‌های ایلی است که برای خود اساس تعلق به یک واقعیت بیرونی که آن‌ها را از دیگران تفکیک می‌کند، می‌باشد. در یک قوم یا ایل، هویت‌یابی از طریق نام، زبان و گویش مشترک، مواریث فرهنگی، پوشاک و نیز حرکت به سوی فرآیندهای هم‌گرا در قالب یک سرزمین و ظهور گرایش‌ها و آگاهی‌های جمعی صورت می‌گیرد. رشد هویت قومی نیازی اساسی برای هر انسانی است که وابسته به یک قوم است و فرهنگ پذیری اساس شکل‌گیری هویت قومی هر فرد است به ویژه در ایران که جوهر هویت از نوع فرهنگی است» (متین، ۱۳۸۳، ۵). احمدی به نقل از تئودورسن^۱ در فرهنگ جدید جامعه‌شناسی، گروه قومی را این گونه تعریف می‌کند:

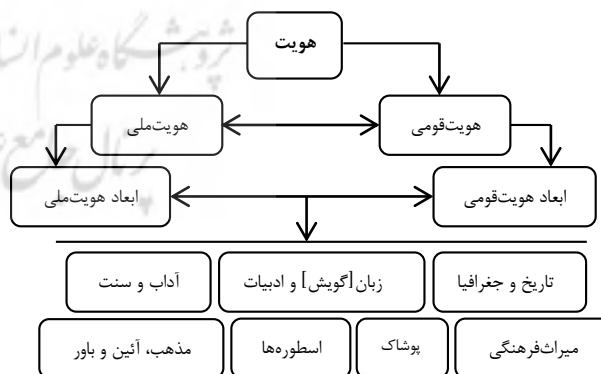
¹ Theodor sen

بختیاری] استفاده می‌شوند، هر کدام مقداری از خصوصیات لباس‌های تاریخی و اصیل ایرانی را در خود حفظ کرده‌اند و هم اکنون کشور ما با داشتن بیش از بیست نوع پوشاک برای مردان و زنان، دارای سرمایه‌ای کم نظیر می‌باشد. از طرفی یک نگاه کلی و عمومی به پهنه‌ی این سرزمین، که از نظر تنوع پوشاک به یک سالن مُد جهانی شبیه است، روشن می‌کند که مردم این مرز و بوم تا چه حد سلیقه نشان داده و برای جلوه بیش‌تر پوشاک خود، آن را آراسته و بر اصل آن افزوده‌اند و در واقع ایران را می‌توان به یک موزه‌ی بزرگ پوشاک شبیه دانست که ساکنین آن در زندگی روزانه خود پوشاک محلی‌شان را عرضه می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۸، ۲۳). پوشاک محلی در هر قوم و منطقه‌ای یکی از نشانه‌های آشکار فرهنگی و هویتی است که با گذشت زمان و پر رنگ شدن صنعت و پیشرفت جوامع، دچار تغییر و تحول قرار گرفت و رو به سوی کم‌رنگی و حذف از زندگی روزمره رفت، پدیده‌ای که امروزه در هر منطقه و بین هر قومی کاملاً مشهود و مبرهن است. پوشاک محلی و اصیل ایرانیان در هر منطقه‌ای بر مبنای ارزش‌های زیباشناختی و نماد شناختی بسیار چشم‌گیر است و با ذوق و روح زیبایسند مردان و زنان اقوام ایرانی منطبق و از وجوه مشترکی هم‌چون بهره‌گیری از دنیای ترکیب‌بندی رنگ و نقش‌های اصیل و بومی، ملی و تاریخی برخوردار است.

پوشاک: مهم‌ترین مؤلفه نمادین در معرفی هویت قومی

بارزترین نمود عینی تشخیص اقوام گوناگون ایرانی از یکدیگر است و از راه مجموعه‌ای از علائم مادی، یک نظام ارتباط فرهنگی در میان مردم برقرار می‌کند که دریافت معانی و مفاهیم آن در هر گروه و

«گروهی باسنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی که آن را به عنوانی که گروه فرعی از یک جامعه ی بزرگ تر مشخص می‌کند. اعضای هر گروه قومی از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی از سایر اعضای جامعه‌ی خود متمایز هستند. اینگونه تعاریف که اساس را بر وجود دنیای مشترک و اشتراکات خویشاوندی می‌گذارد، به‌شدت زیر سؤال برده شده‌اند. تا این‌که تعاریفی نسبتاً جامع‌تر ارایه شد مثل هویت و هم‌بستگی جمعی که منتسب بر عوامل انتسابی چون جد مشترک، زبان، رسوم، عقاید و اعمال (مذهب) و در برخی موارد نژاد یا رنگ است» (احمدی، ۱۳۷۹، ۳۱). هویت قومی بخشی از هویت ملی است و داری ابعادی است که با آن شناخته و متمایز می‌شود (شکل ۱). اگر بخواهیم تعریف موجز فوق را نسبت به سایر تعاریف تا حدودی گویاتر و کامل‌تر بدانیم، با افزودن واژه‌ی پوشاک که یکی از مؤلفه‌های هویت قومی است، تعریفی نسبتاً کامل و جامع از گروه قومی و با احتساب ارزش‌گذاری و هویت‌پردازی هریک از ابعاد و مؤلفه‌های مذکور، قومیت ارائه می‌گردد.



شکل ۱: ابعاد هویت قومی (منبع: پژوهش‌گران)

پوشاک محلی ایرانیان

لباس‌های بومی که هم اکنون در نواحی مختلف ایران [به خصوص در حوزة زیست‌بوم قوم لر و

جامعه مستلزم درک رفتارهای اجتماعی و فرهنگی مردم و باورهایی است که پوشاک ارزش‌های نمادین خود را از آن‌ها اخذ نموده است. ارزش‌هایی که در حفظ هویت اجتماعی و فرهنگی مردم در طول زمان نقش قابل ملاحظه‌ای را ایفا می‌کنند (بلوک‌باشی، ۱۳۸۲، ۱۷). پوشاک «در کنار آداب و سنن، زبان و سایر عناصر فرهنگی از جمله نمادهای هویتی هر قوم محسوب می‌شود» (یعقوبی، ۱۳۹۳، ۵۲). در واقع مؤلفه تن‌پوش «مهم‌ترین و مشخص‌ترین مظهر قومی، سریع‌الانتقال‌ترین و بارزترین نشانه فرهنگی است که به سرعت تحت تأثیر پدیده‌های فرهنگ‌پذیری بین جامعه‌های گوناگون انسانی قرار می‌گیرد. حتا عده‌ای معتقداند که چیرگی فرهنگی و سلطه‌پذیری در وهله‌ی نخست از طریق انتقال پوشاک صورت می‌گیرد و می‌توان با تغییر پوشاک افراد یک جامعه، نوع زندگی و شیوه‌ی تولید آن‌ها را نیز دگرگون نمود و تغییرهایی در ساختار زندگی اجتماعی آن جامعه ایجاد کرد» (شریعت‌زاده، ۱۳۶۹، ۴۱). در نگاه مطالعاتی و بررسی‌های تحلیلی و توصیفی، برجستگی و اهمیت پوشاک اقوام و ملل مختلف نه جنبه‌ی کارکردی بلکه جنبه‌ی نمادین آن است که هم‌چون زبانی از نشانه‌ها و نمادها و رسانه‌ای حامل پیام است.

در واقع «آن‌چه امروز از نظر اندیشمندان مردم‌شناس و جامع‌شناس اهمیتی بسیار دارد، توجه به پیام‌ها و راز و رمزهای موجود در انواع پوشاک در دوره‌های مختلف و در میان ملت‌های گوناگون می‌باشد. این پیام‌ها خود از باورها، آداب، سنت‌ها، ویژگی‌های جغرافیائی و خاستگاه قومی هریک از ملت‌ها برخاسته‌اند و به وضوح اصول و منظورهایی خاص را القاء می‌کنند» (متین، ۱۳۸۳، الف : ۷-۸).

هریک از گروه‌های انسانی ای که در نواحی مختلف ایران زندگی می‌کنند و تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله ویژگی‌های بوم شناختی منطقه قرار دارند، تن-پوش ویژه‌ای بهت ندارند که در نگاه نخست، قومیت، حوزه‌ی زندگی، زبان و دیگر ویژگی‌های فرهنگی، حتا مذهب و اشتغال‌های اصلی زندگی آنان را در ذهن بیننده تداعی می‌نماید. در فرآیند شکل‌گیری و ترکیب پوشاک هر قومی عواملی نظیر اوضاع و عوامل محیطی، نوع زندگی رایج و فعالیت‌های جنبی، دخالت دارند» (شریعت‌زاده، ۱۳۶۹، ۴۱). لباس «بیش‌از هر چیزی نشان دهنده‌ی هویت انسانی و اجتماعی پوشنده‌ی آن است» (الهی، ۱۳۸۹، ۱۰) و بیش از هر امر دیگری مستقیماً نشان‌دهنده‌ی فهم و درک ما از معنای انسانیت است» (موسوی‌بجنوردی به نقل از نصر، ۱۳۸۵، ۴). از دیدگاه تاریخ اجتماعی نقش متمایزکننده‌ی پوشاک در شناخت قوم‌ها و ملت‌ها را به روشنی می‌توان دید. کیست که با شنیدن واژه‌ی هندی، زنی سبزه‌رو با موهای مجعد و بلند بافته‌شده از پشت، ساری بر تن و با خالی رنگین بین ابروانش را در ذهن مجسم نکند و یا با شنیدن واژه‌ی ژاپنی، زنی چشم بادامی با موهای صاف و جمع‌شده در پشت، کیمونو پوش و با صندل‌های چوبی را در ذهن مجسم نکند؟ و یا زنی که چادر مشکی بر سر و روبنده‌ی سیاه بر صورت دارد که نشان از زنی مسلمان دارد؟ این دلالت‌ها درباره‌ی همه‌ی اقوام صادق است. ما به خوبی با ظاهر کلی لباس‌گردی آشنائیم، لباس لرها، بختیاری‌ها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها را به راحتی تشخیص می‌دهیم و از روی آن‌ها به قومیت افراد پی می‌بریم» (متین، ۱۳۸۳، ب ۳۸). لباسی که نشانه‌ی هویتی است که «با بررسی آن می‌توان رد پای مباحث

جغرافیائی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی، هنری و غیره در یک جامعه‌ی خاص را یافت و بدین ترتیب به بسیاری از رازها و رمزهای پوشیده در دل تاریخ پی برد» (الهی، ۱۳۸۹، ۱۱).

پوشاک مؤلفه‌ای نمادین

پوشاک بخشی از فرهنگ و هنر بومی و هویت ملی و قومی است و «یکی از ویژگی‌های فرهنگ که آن را از دیگر پدیده‌ها متمایز می‌نماید، متکی بودن آن بر نماد است. از دیگر ویژگی‌های فرهنگ، مشترک بودن آن در میان اعضای جامعه است. بدان معنا که یک عنصر فرهنگی تا زمانی که مورد قبول اعضای یک جامعه قرار نگیرد و در کل فرهنگ ادغام نگردد، دوام نخواهد آورد» (گودرزی، ۱۳۸۴، ۲۵). نمادها «باعث می‌شوند مفاهیم بسیاری در زمان محدود و به آسانی منتقل گردد. در موارد بسیاری، اقوام و ملت‌ها برای نشان دادن آرزوها و جهت‌گیری‌های خود یا به تصویر کشیدن ویژگی‌های‌شان به استفاده از علامت‌ها متوسل شده‌اند و تکرار کاربرد این نشانه‌ها کم‌کم باعث تبدیل آن‌ها به نمادهای [قومی] و ملی گشته است» (قاسمی، ۱۳۸۷، ۱۴۸). امروزه نمادپردازی حوزه وسیعی در نظام‌ها و پدیده‌های گوناگون از جمله پوشاک را به خود اختصاص داده است که «پیش از هر چیز بر جایگاه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افراد یک قوم دلالت دارد و نشانه‌ای هویت‌بخش و منزلت‌آورند. در واقع عمل دلالت و تولید متن و معنا نه تنها از طریق زبان، بلکه در آئین‌ها، رفتارها، ارزش‌ها و لباس‌ها صورت می‌پذیرد» (سجودی، ۱۳۸۷، ۹). پوشاک به منزله یک عنصر نمادین و معنایی، دارای خصلت‌های نشانه‌ای می‌شد. «سؤالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که معنای پوشش از کجا می‌آید و چگونه تکه-

های کوچک و بزرگ دوخته شده، طرح‌ها و نقش‌ها با رنگ‌های گوناگون و چگونگی قرار گرفتن آن‌ها بر بدن آن‌قدر معنادار می‌شود که موضوع بحث‌های طولانی فرهنگی و اعتقادی قرار می‌گیرد» (جوادی یگانه و هم-کاران، ۱۳۸۶، ۶۶-۶۲). رویکرد نمادپردازانه به پوشاک به این مسئله می‌پردازد که نقش‌ها، طرح‌ها و رنگ‌های به کار رفته در متن یک پوشاک چگونه در یک فرهنگ قومی و ملی به نماد تبدیل شده و ارزش دلالتی پیدا می‌کند. پوشاک «مجموعه‌ای از نشانه‌هاست که در کنار هم نظامی واحد را بر پایه تعریف‌های خاص ملی، میهنی، قومی، تاریخی و اسطوره‌ای به منظور القای تعریف و هویتی یگانه، شکل می‌دهد. این نظام، یک صورت، ماهیت و کارکرد دارد و بی‌تردید هریک از این نمادها را می‌توان از ابعاد زیباشناختی، نشانه-شناختی، اجتماعی و اسطوره‌ای بررسی و تحلیل نمود» (متین، ۱۳۸۳، ب : ۳۹). در عین حال معنای هر نقش و نگاره یا هر رنگ و بخشی از لباس «از خلال نسبتی که با مقوله‌هایی نظیر منزلت، جنسیت، جایگاه اجتماعی و سیاسی در عرصه‌ی ملی و قومی وجود دارد، ارزش‌ها و به‌طور کلی ساختارهای اجتماعی برقرار می‌کند، درک می‌شود» (الهی، ۱۳۸۹، ۱۳). ارزش نمادین پوشش بومی ارتباطی مستقیم با افکار و اندیشه‌ها و سنت‌های ریشه‌دار یک قوم، گروه و قبیله و آفریننده آن لباس دارد. هر لباسی به‌ویژه لباس‌های قومی و یا «هر قطعه-ای از یک پوشاک حامل اندیشه‌ای است که عامل اصلی تولید و طراحی آن بوده است. پیام موجود در هر لباس، ممکن است فقط دارای جنبه‌ی کارکردی یا زیباشناختی باشد و یا مجموعه‌ای از رمزگان نمادین برای رساندن پیام‌هایی ژرف با معانی بزرگ فرهنگی، اسطوره‌ای، اجتماعی و سیاسی را در خود داشته باشد.

این پیام‌سازی ممکن است در بُره‌ای از زمان برای عنصری خاص از جامه‌ها ایجاد شده باشد» (موسوی-بجنوردی، ۱۳۸۵، ۴۰).

پوشاک قوم بختیاری

پوشاک قوم بختیاری هم‌چون پوشاک سایر اقوام دارای ویژگی‌های شکلی، ساختاری و زیباشناختی (نقش و رنگ) است که نمودگار هویت فرهنگی ایشان است. پوشاک اقوام مختلف ایرانی بسته به نوع فرهنگ، اقلیم و جغرافیا، آیین و سنت‌ها، مختلف و متنوع است و متأثر از مؤلفه‌های یاد شده و جهان پیرامون زندگی‌شان است. آن‌ها در لباس خویش دنیای رنگ‌ها را به نمایش گذاشته و عرضه می‌دارند. از این رهگذر لباس قوم بختیاری و به‌طور خاص لباس بانوان این قوم نیز از این تأثیرپذیری مستثنی نیست. رنگ‌های محیط اطراف آن‌ها همواره در ترکیب‌بندی رنگ لباس‌شان جلوه‌گر است. زنان در ترکیب رنگ لباس از رنگ‌های مکمل و متضاد استفاده می‌کنند مثل رنگ قرمز و سبز که فراوان در محیط زندگی‌شان به‌ویژه در دشت لاله‌های واژگون جغرافیای بختیاری وجود دارد. هم‌چنین از رنگ‌های خام و اصلی هم در لباس و هم در دستبافته‌های خویش نظیر قالی، گلیم، گبه، جاجیم و غیره استفاده می‌شود. «در بختیاری زنان جوان بیش‌تر از رنگ‌های نشاط‌آور قرمز، نارنجی، سبز روشن و زرد استفاده می‌کنند و بالعکس زنان مُسن‌تر از رنگ‌های تیره و سنگین نظیر آبی پُرمایه و سُرمه‌ای، سبز سیر، قهوه‌ای و به‌ندرت سیاه استفاده می‌کنند. در لباس مردان از رنگ‌های سفید و مشکی بیش‌تر استفاده می‌شود» (کبیری، ۱۳۸۶، ۵۶). به‌طور کلی، ساختار و جزئیات پوشاک مردان و زنان بختیاری ثابت است. اما لباس زنان در رنگ و نموده‌های رنگی،

تزئینات نقش‌پردازی از تنوع و گونه‌گونگی برخوردار است. در این بخش، لباس مردان و زنان بختیاری همراه با جزئیات به‌عنوان بخشی از هویت فرهنگی و اصالت قومی‌شان مورد بررسی و معرفی قرار داده می‌شود.

۱. پوشاک زنان

پوشاک زنان بختیاری شامل عنصری از قبیل سر پوش‌ها، تن‌پوش‌ها و پای پوش‌ها می‌باشد که هر کدام به‌صورت جداگانه بررسی می‌شود.

۱-۱ سرپوش‌ها

سرپوش‌ها خود از سه بخش لَچَک^۱، می‌نا^۲ و چادر توری تشکیل می‌شود.

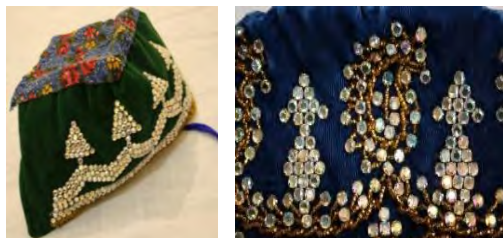
۱-۱-۱ لچک

لچک یا کلاهک بانوان بختیاری (شکل ۱) از پارچه‌های رنگین مخمل دوخته می‌شود. بُرش آن به-گونه‌ای است که یکی در پشت و دیگری در بالای سر قرار می‌گیرد. بخش پشت سر، پارچه‌ای به‌شکل نیم-دایره است که دنباله‌ای پهن دارد و این دنباله تا نزدیک و پائین گردن می‌رسد. روی خط نیم دایره را پارچه دیگری به پهنای چهار انگشت لب به لب گردانده و دوخته‌اند. این قسمت بر روی سر و در حدود بالای پیشانی قرار می‌گیرد و بر آن زر و زیور و سکه‌های تزئینی فراوان و مُنجوق (مُنْجُوق) دوزی می‌کنند. بر گوشه‌های کلاهک، بندی دوخته می‌شود که به زیر چانه و در قسمت گلو بسته می‌شود و پوشش آن به صورتی است که جلوی موها مشخص است و باید لچک روی سر قرار بگیرد نه روی پیشانی و نیز مقداری از موها را از زیر گلو بیرون می‌گذارند (نه

¹ Lachak

² Meyna

مختلف تقسیم می‌شود. نقوش به کار رفته در لچک‌ها بیش‌تر گیاهی، گل و برگ انتزاعی و هندسی می‌باشد و کمتر نقش حیوانی دیده می‌شود. طرح‌های هندسی به شکل مثلث که نماد کوه می‌باشد دیده می‌شود.



شکل ۱ و ۲: لچک (چپ) و تزئینات با طرح بته جقه
با الماس در لچک بختیاری (راست) (منبع: پژوهش‌گران)

لچک‌ها که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تزئینی در لباس زنان بختیاری است، به دلیل جایگاه ویژه خود از فرم‌ها و تزئینات متنوعی برخوردار است. به‌طوری که چهار نوع مختلف لچک در لباس زنان بختیاری وجود دارد که عبارت‌اند از: تقسیم می‌شوند که عبارت است از:

❖ لچک ریالی

لچک ریالی (شکل ۳) با ارزش‌ترین نوع لچک می‌باشد که لبه‌ی مخمل آستر دوزی شده را در طول پارچه با سکه‌هایی از طلا و نقره سوراخ شده، سکه دوزی می‌کنند. به‌طوری که بعد از آماده شدن لچک سکه‌ها در جلوی سر، روی موها قرار می‌گیرد. لچک ریالی را بیش‌تر در مواقع عروسی و جشن‌ها و مهمانی‌های مختلف و شادگونه بر سر می‌گذارند و تنها زنانی که از نظر میزان دارایی و موقعیت اجتماعی بالایی برخوردارند از آن استفاده می‌کنند. در قدیم از سکه‌های طلا و نقره و در عهد قاجار از سکه‌های رایج بیش‌تر ریال، استفاده می‌کردند که به این سکه‌ها اشرفی نیز می‌گفتند.

برای خود نمایی بلکه برای محکم نگه داشتن لچک) که زنان بختیاری به این موها در اصطلاح تُرنه^۱ می‌گویند. «لچک از چهار قسمت تشکیل شده است که دو قسمت اصلی آن شامل پیش (پیشه) لچک و پشت (پس) لچک می‌باشد. پیش لچک، نوار پارچه‌ای است که معمولاً از جنس مخمل است به طول ۴۰ و عرض ۱۰ تا ۱۵ سانتی‌متر، که وقتی بر روی سر قرار می‌گیرد انتهای دو طرف آن تا بالای گوش‌ها برسد. پشت لچک، پارچه‌ای چهارگوش است که طول هر کدام از اضلاعش به ۱۳ سانتی‌متر و یا کمی بیش‌تر می‌رسد و سه ضلع آن را به طول پیش لچک می‌دوزند به‌طوری که به صورت کلاه در بیاید. لچک‌ها از نظر شکل ظاهر و شیوه دوخت با یکدیگر تفاوتی ندارند و صرفاً از نظر نوع پارچه در تزئین است که موجب می‌شود لچک به انواع مختلفی تقسیم شوند» (پرویزی، ۱۳۷۵، ۱۷). برای تهیه و دوخت لچک، ابتدا نوار مستطیل شکل را به طول ۴۰ و عرض ۱۰-۱۵ سانتی‌متر می‌بُرند که عمدتاً از جنس مخمل و به خصوص مخمل جیر می‌باشد. سپس پارچه‌ی نخ‌ی و نازک دیگری را هم به همان اندازه برش داده و مخمل را آستر دوزی می‌کنند. سپس نوبت به تزئین لچک می‌رسد. در مرحله تزئین می‌توانیم لچک را به انواع مختلف تقسیم کنیم. تزئین لچک بستگی به میزان دارایی و پایگاه اجتماعی صاحب آن و نیز موارد استفاده از آن در مکان‌ها و مراسم مختلف دارد. تزئینات سرپوش‌ها به‌ویژه لچک زیاد و متنوع است و دارای رو دوزی‌های زیادی است. از جمله مليله دوزی‌ها، منجوق و پولک دوزی، سکه دوزی و الماس دوزی (شکل ۲) که با توجه به این رو دوزی‌ها به انواع

¹ Torneh

در لچک مُنجوق نما (شکل ۶) که در واقع ارزان ترین نوع لچک نیز هست، ابتدا منجوق ها را به وسیله نخ و سوزن جداگانه به شکل دلخواه در می آورند و سپس بر روی مخمل نصب می کنند. بعد از این که پیشه لچک را به یکی از طریق فوق تزئین نمودند، پیشه را نیز به آن وصل می کنند و سپس به دو طرف مخمل نوارهایی به طول ۲۰-۲۵ سانتی متر می دوزند که در هنگام استفاده از لچک در زیر چانه گره می خورد و لچک را بر روی سر ثابت نگه می دارد (کبیری، ۱۳۸۶، ۲۰۴).



شکل ۶: لچک مُنجوق نما (منبع: پژوهش گران)

۱-۲-۱ می نا^۲

روسی بانوان بختیاری که مشهور به می نا (شکل ۷) است، یک پارچه کم عرض در حدود ۱ متر و به طول ۳ تا ۴ متر است که روی کلاهک بر سر می نهند، متن این پارچه همیشه ساده و بدون گل و بوته است ولی در رنگ های مختلف مانند آبی، سبز، قرمز و غیره می باشد. جنس پارچه بیش تر از حریر یا ژورژت می باشد. چون این پارچه ها سبک می باشند و راحت بر روی سر قرار می گیرند و تزئینات آن با پولک و منجوق می باشد که سبک هستند. طول می نا را معمولاً چند بار در پشت سر تا می زنند به طوری که چند لا می شود و یک بار آخرین قسمت می نا را در جلوی صورت از زیر چانه می گذرانند و گوشه آن را



شکل ۳: لچک ریالی (منبع: پژوهش گران)

❖ لچک الماس نما

در تزئین لچک الماس نما (شکل ۴)، از سنگ الماس های مصنوعی استفاده می شود و حاشیه آن را اصطلاحاً با منجوق سیاه، بند کرده و از پیش آماده شده می بندند. سنگ الماس و لچک الماس نما در بین زنان ایل بختیاری پدیده ای نو است که از چند دهه قبل معمول شده است.



شکل ۴: لچک الماس نما (منبع: پژوهش -)

❖ لچک پولک^۱

برای تزئین لچک پولک (شکل ۵) از پولک و منجوق استفاده می کنند و با استفاده از نخ و سوزن به صورت گل و بوته بر روی مخمل حاشیه دوزی می کنند.



شکل ۵: لچک پولک (منبع: پژوهش گران)

❖ لچک مُنجوق نما یا منجقی

² Meyna

¹ Pilak



شکل ۸: چادر توری بخشی از تزئین لباس

۲-۱ تن پوش‌ها

۲-۱-۱ پیراهن

پیراهن بانوان بختیاری در گویش محلی، جُوه یا جُوه^۱ نام دارد که از پارچه‌های رنگین و زری تهیه می‌شود و دارای بُرش ساده می‌باشد. بلندی آن تا بالای زانو است و در طرفین هم دو چاک بلند دارد. آستین این پیراهن راسته و بلند با زیر بغلی است و یقه گرد دارد و در نوع خیلی قدیمی‌تر آن همان‌طور که در شکل می‌بینید، جای حلقه آستین وجود ندارد و فقط یک برش ساده با زیر بغلی که به شکل مربع است و در زیر آستین دوخته می‌شود، برای این که لباس پاره نشود ولی در نمونه‌هایی که بعداً دوخته شد دارای برش حلقه آستین هستند (شکل ۹).



شکل ۹: جُوه، پیراهن بانوان بختیاری (منبع: پژوهش‌گران)

در روی لچک با سنجاق محکم می‌کنند. در این حالت روسری در پهنای خود بر روی سینه و جلوی بدن و هم‌چنین در پشت سر و کمرگاه افتاده است و درازای بخش پائین می‌نا که با تزئیناتی از منجوق و پولک است، گرداگرد بدن در حدود کمرگاه جلوه‌گری می‌کند. هم‌چنین برای این که مینا از روی سر نیفتد با سنجاق‌های بلند آن را به کلاهک متصل می‌کنند و نیز رشته‌ای تزئینی متشکل از منجوق‌ها و سکه‌های تزئینی را از زیر چانه می‌گذرانند و از دو طرف بر روی می‌نا و کلاهک می‌اندازند که به آن بند سیزن (سوزن) گفته می‌شود.



شکل ۷: می‌نا، روسری بانوان بختیاری (منبع: پژوهش‌گران/ خانم کثیری)

بانوان بختیاری از چادرهایی رنگارنگ که از جنس توری و گاه مزین به نقش و نگارها و هم‌چنین حاشیه‌های زرین است، استفاده می‌کنند. چه این که این بخش از لباس بیش‌تر جنبه تشریفاتی و به‌هنگام مناسبت‌های شاد استفاده می‌شود (شکل ۸).

¹ Joveh- Jouvah

۱-۲-۲ تنبان



شکل ۱۱: یل یا کت بانوان بختیاری با یقه ساده و زیر بغلی، سمت راست و یقه انگلیسی، سمت چپ (منبع: پژوهش گران)

۱-۳ پای پوش‌ها

پای پوش زنان بختیاری، گیوه‌هایی از نوع گیوه‌های شیراز است و از اصفهان و شیراز تهیه می‌شد، گیوه‌های زنان بختیاری شبیه گیوه‌های مردان است با این تفاوت که از نخ نازک‌تری بافته می‌شود و دارای تزئیناتی روی گیوه بود. چه این‌که گیوه زنان قریب به سی - چهل سال است که تولید نمی‌شود.



شکل ۱۲: پای پوش زنان (منبع: پژوهش گران)

زیورآلات لباس بانوان بختیاری

تزئینات لباس بانوان بختیاری که شامل برخی زیورآلات بود، عبارت بود از: عقده‌رو یا گردرو که به شکل گردنبند و از جنش طلا یا نقره می‌باشد از بغل گوش‌ها و دور گردی صورت می‌بندند به گونه‌ای که قرص صورت بیش‌تر نمایان شود و بندسوزن (بندسوزن) که برای محکم نگه داشتن می‌نا بر روی لچک و هم‌چنین برای زیبایی و تزئین لباس از آن

تنبان، شلوار یا شولار^۱ (شکل ۱۰)، که به آن شلیته یا شلوار قری نیز می‌گویند، اغلب از پارچه‌های مخمل و به طول ۷ تا ۸ متر تهیه می‌شود (از ۶ متر کم‌تر نمی‌شود) و امروزه از پارچه‌های زری و الوان که دارای گل و بوته هستند استفاده می‌شود و این تنبان به دو صورت دوخته می‌شود: نوع لیفه‌دار و نوع کم‌ری. در نوع لیفه‌دار، بالای دامن لیفه دوخته می‌شود به-طوری که بعداً بند تنبان را داخل لیفه کرده و محکم می‌کنند ولی در نوع کم‌ری باید اندازه شخص استفاده کننده را گرفته و بعد پارچه را با مهارت خاصی چین می‌دهند تا به اندازه دور کمر شخص شود. بلندی آن تا روی پا می‌باشد و می‌توان پائین دامن را را با یراق‌های رنگی و یا منجوق و پولک رودوزی کرد.



شکل ۱۰: تنبان (چپ: لیفه دار و راست: کم‌ری) (منبع: پژوهش گران)

۲-۲-۲ یل (کت)

بانوان بختیاری یل یا کتی دارند که طبق معمول گل‌دار یا ساده، گاهی با سردست مزین و با یقه‌ای ایستاده و گاهی خوابیده می‌باشد. در جلو با دکمه بسته می‌شود و آن را بر روی پیراهن می‌پوشند و در نمونه‌های جدیدتر از یقه انگلیسی به خاطر مراودت‌های زنان قاجاری با اروپائیان در سبک لباس به‌وجود آمده بود استفاده می‌کنند.

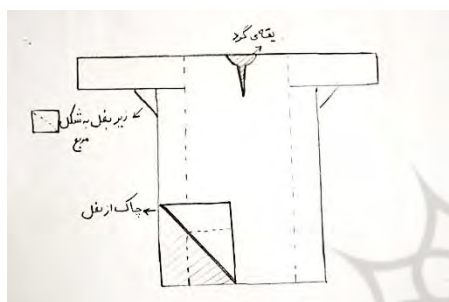
¹ Shawlar

۲-۲ تن پوش ها :

تن پوش مردان بختیاری شامل پیراهن، دبیت، چوقا و کینک (کفنک) می باشد.

۲-۲-۱ پیراهن

پیراهن مردان بختیاری در گذشته از جنس کتان و به رنگ سفید یا گاهی رنگی با آستین راسته و زیر بغلی بود و تا به وسط اندام می رسید. یقه آن گاه از جلو و گاه از پهلوی گردن باز و بسته می شد (شکل ۱۵).

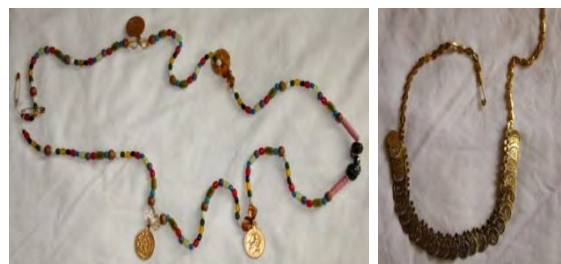


شکل ۱۵: نمای خطی پیراهن مردان (منبع: پژوهش گران)

۲-۲-۲ دبیت

شلوار مردان بختیاری دبیت نام دارد. برش آن ساده است و عرض آن از پایین تا به کمر، یک سره پهن و در حدود نیم متر هر یک از ساق ها پهن دارد و کمر شلوار لیفه دار است و حالت چند لیفه ای دوخته می شود که روی آن یک کمر بند بسته می شود و جنس آن از پارچه ای به همین نام است و رنگ آن مشکی می باشد و در زیر آن از زیر شلواری استفاده می کنند. بهترین جنس پارچه برای دوخت شلوار دبیت، پارچه ای است موسوم به "حاج علی اکبری" که از کویت وارد می شد (شکل ۱۶).

استفاده می شود که شامل مُهره ها و سکه های تزئینی است که به دست خود زنان بختیاری ساخته می شوند و از انواع الگو و گوشواره و سکه های طلائی (اشرفی در قدیم) که بر روی لچک می دوزند، استفاده می کنند (شکل ۱۳).



شکل ۱۳: عقده رو یا گرده رو، سمت راست و بند سیزن، سمت چپ (منبع: پژوهش گران)

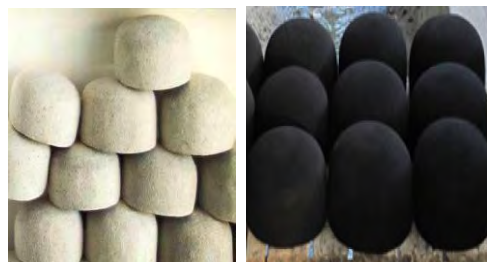
۲. پوشاک مردان

پوشاک مردان هم مانند زنان شامل سر پوش ها، تن پوش ها و پای پوش ها می باشد.

۲-۱ سر پوش ها :

۲-۱-۱ کلاه

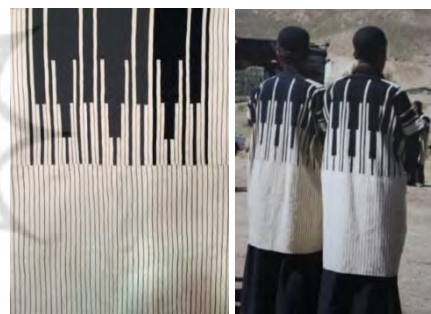
سر پوش مردان بختیاری به طور یکپارچه در سرتاسر جغرافیای بختیاری کلاه نمادی است که بر حسب موقعیت افراد و جایگاه و یا به دلخواه استفاده کننده می تواند کلاهی با ارتفاع بلند یا کوتاه و یا به رنگ سیاه، سفید، شیری باشد. کلاه نمادی بختیاری ها از نظر فرم شبیه کلاه مردان مادی در حجازی ها و نقش برجسته های تخت جمشید است (شکل ۱۴).



شکل ۱۴: کلاه نمادی مردان در رنگ های سیاه و سفید (منبع: پژوهش گران)

۳-۲-۲ چوقا

چوقا، مهم‌ترین پوشاک مردان بختیاری و در واقع بخش مهمی از هویت فرهنگی آنان است. راسته تا زانو و بدون آستین که از پشم طبیعی بافته می‌شود و گاه رنگ آن با زمینه‌ای سفید و راه‌راه‌های نیلی عمودی می‌باشد. نوع مهمی از پوقای بختیاری که از کیفیت مواد و بافت خوبی برخوردار است، به نام چوقای کیارسی شهرت دارد. نقش‌های سیاه و سفید یا به‌نوعی فضا‌های مثبت و منفی در چوقا، جنبه‌ای نمادین دارد. نقش‌های سفید و رو به بالا نماد خیر و نیکی و پیروزی همیشگی آن است و نقش‌های سیاه و رو به پائین نماد تاریکی و ظلمت است و سرنگونی آن است (شکل ۱۶).



شکل ۱۶: شلوار دبیت و چوقا بر تن مردان بختیاری
(منبع: پژوهش گران)

۳-۲-۳ پای پوش

پای پوش مردان بختیاری هم‌چون زنان گیوه (ملکی) است که در بسیاری از نقاط ایران استفاده می‌شود. امروزه از گیوه صرفاً با چوقا و شلوار دبیت در مراسم‌ها و مناسبت‌های خاص استفاده می‌شود (شکل ۱۷).



شکل ۱۷: گیوه مردان بختیاری (منبع: پژوهش گران)

نتیجه‌گیری

ایل‌ها و عشایر ایران، یکی از مهم‌ترین و در عین حال متفاوت‌ترین اقشار جامعه به‌لحاظ زیست‌بوم، نوع و شیوه معیشت و عملکردهای اجتماعی و مهم‌تر از آن لباس و پوشاک، به‌شمار می‌روند. پوشاک در هر جامعه ایلی نمودی از هویت فرهنگی و گوشه‌ای از تمدن و مدنیت آن جامعه است. هویت صفت ارزشی و معرفتی هستی‌شناختی و مهم‌ترین ویژگی و مؤلفه اجتماعی موجودیت یک جامعه، قوم یا ملت است. این صفت در جامعه ایلی و عشایری بسیار برجسته است که در زندگی و زیست‌بوم عشایر و خاصه بختیاری با مؤلفه‌های مختلف و متنوعی از جمله "پوشاک" شناخته می‌شود که مهم‌ترین و آشکارترین مظهر هویت قومی، بومی و ایلی و یکی از ارزش‌های فرهنگی و نمادین این قشر است. مهم‌ترین مؤلفه مرتبط با بحث هویت، پوشاک آن قوم یا ایل است. پوشاک زنان و مردان در ایل بختیاری بخشی از فرهنگ و تمدن ایشان برشمرده می‌شود. در این مقاله با هدف مطالعه، بررسی و معرفی لباس بختیاری، اجزاء و عناصر این پدیده مورد کنکاش و مطالعه قرار گرفت. و نتایج زیر حاصل شد. در بخش لباس زنان، تنوع در عناصر و قطعات و هم‌چنین رنگ و پردازش رنگی، بیش‌تر از مردان است. لباس بختیاری در سه بخش سرپوش، تن‌پوش و پای‌پوش خلاصه می‌شود که برای زنان و مردان متفاوت است. برای زنان، لچک و می‌نا، پیراهن، شلوار، چادر توری، تزئینات لباس، گیوه و برای مردان پیراهن، چوقا، شلوار دبیت، کلاه نمدی، کینک و گیوه است.

منابع و مآخذ:

۱. الهی، محبوبه، ۱۳۸۹، لباس به مثابه‌ی هویت، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی مطالعات ملی، شماره ۲، صص
۲. بلوک‌باشی، علی، ۱۳۸۲، مقدمه کتاب پوشاک در ایران زمین، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، تهران، نشر امیرکبیر
۳. جوادی‌یگانه، محمدرضا، سیدعلی کشفی، ۱۳۸۶، نظام نشانه‌ها در پوشش، فصل‌نامه کتاب زنان، شماره ۳۸، صص ۶۲-۸۷
۴. سجودی، فرزانه، ۱۳۸۷، لباس به مثابه نشانه، فصل-نامه کوک، شماره ۵ و ۴، صص ۸-۱۲
۵. شریعت‌زاده، علی‌اصغر، ۱۳۶۹، پوشاک بارزترین نشانه‌ی فرهنگی، مجله میراث فرهنگی، شماره ۱، صص ۴۳-۴۰
۶. کبیری، فرانک، ۱۳۸۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تأثیر طبیعت استان چهارمحال و بختیاری بر نقش گلیم و رنگ لباس زنان، دانشگاه الزهراء
۷. متین، پیمان، ۱۳۸۳، پوشاک و هویت قومی و ملی، فصل‌نامه مطالعات ملی، شماره ۳، صص ۳۷-۸۲
۸. موسوی‌بجنوردی، کاظم، ۱۳۶۷، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران، انتشارات دایره‌المعارف بزرگ اسلامی
۹. یعقوبی، حمیده، ۱۳۹۳، سوزن‌دوزی‌های پوشاک زنان بلوچ: نق و رنگ، فصل‌نامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۳۹ و ۳۸، صص ۵۱-۷۸



A Study on the Clothing of the Bakhtiari Tribe

Mohammad Afroogh

¹ MA, Carpet Department, University of Arak, nashmine_1982@yahoo.com

Article Info	Abstract
Received: 2025/02/22	Clothing as one of the most important components of ethnic, indigenous and regional identity is one of the cultural elements in recognizing and introducing different ethnic groups in Iran. And one of the most significant cultural and identity aspects of any civilization, nation and eagle is known, because in the structure of the identity of a society such as tribal and tribal society, there are many components such as language and literature, tales and mythology, music, History and geography, food and clothing are involved. Local and ethnic garments as cultural productions have a decisive role in preserving, disseminating and generalizing the foundations of indigenous, national and ethnic values and can be a good and desirable factor in recognizing and introducing the culture and identity of Iranian people both inside and outside the borders. Bakhtiari's clothing is one of the most prominent components and reagents in recognizing this great and genuine Iranian. Recognition, introduction, matching and the analysis of Bakhtiari garments is the purpose of this article. This research is of a fundamental type and research method is descriptive-analytical and comparative. Information gathering is a combination of field and library.
Accepted: 2025/06/10	
Keywords Bakhtiari Clothing Identity	

Citation(APA): Afroogh, Mohammad (2025), A Study on the Clothing of the Bakhtiari Tribe, *Tribes and Nomads Studies* 14(1), pp.12-25.